

(فوضعی فی شیء کو کر الطیر) تا چشم به هم زدم دیدم در یک جای دیگری هستم [اشاره به سرعت و قدرت مرکب پیامبر ﷺ براق که در عرض یک هزارم ثانیه ایشان را عروج داد] جبرئیل به من گفت می دانی، کجایی، گفتم نه، پس جبرئیل گفت: اینجا بیت المقدس و مسجد الاقصی است.

بهترین چیزی که می تواند سرعت را بیشتر کند و اصطکاک هوا را بکاهد همان شکل مخروطی و کله قندی است که در روایت ذکر شده (فوضعی فی شیء کو کر الطیر) و امروز می بینیم که نوک هواپیماها، بمب افکن ها، موشکها و ... به صورت مخروطی و کله قندی است. اشعه کیهانی و سنگ های آسمانی و حرارت زیادی که در جو موجود است و حتی سنگ را ذوب می کند نمی توانسته به وجود مقدس پیامبر ﷺ آسیب برساند، زیرا ایشان طبق روایت داخل یک شیء (محفظه ای) قرار داشتند.

امروزه می بینیم برای اینکه حرارت موجود در جو آسیبی به سفینه های فضایی یا هواپیماها وارد نکند، آلیاژهای بدنه سفینه را از فولاد یا فلزات قوی می گیرند.



درست است هر جسمی متمایل به مرکز خود می باشد ولی به وسیله قوهی قاهره می توان آن را برخلاف مرکز خود حرکت داد و این حرکت به حرکت قسری تعبیر می شود، مانند حرکت سنگ به طرف بالا به وسیلهی فلاخن و حرکت تیر و فشنگ به وسیله کمان و تفنگ و امثال اینها بنابراین حرکت انسانی به طرف بالا به قوت و قدرت حق تعالی که آفریننده و مؤثر قوا است، بسیار سهل و آسان است و در دعای ندبه نیز به آن اشاره شده و «سخرت له البراق» (۷)

برای یافتن پاسخ های علمی تر در خصوص معراج حضرت رسول اکرم ﷺ و اثبات آن با قوانین امروزی، علامه مجلسی در بحار الانوار جلد ۱۸، بابی را تحت عنوان اثبات المعراج اختصاص داده است. (۸) در آنجا مرحوم مجلسی روایتی با سند ذکر می کنند که در بردارنده مهمترین و بهترین فن آوری فضایی است، قبیل اینکه به ذکر این روایت پردازیم، ذکر این نکته ضروری است، آیات الهی و سخنان نبی مکرم اسلام ﷺ و ائمه اطهار (علیهم السلام) همواره هزاران سال از علم جلوتر هستند، مؤید این مطلب کلامی است از وجود مقدس حضرت امام صادق (علیه السلام) که می فرمایند: هنگامی که وجود مقدس امام زمان (علیه السلام) به امر خداوند ظهور می نمایند ظرفیت علمی بشر تکمیل می شود و بیست و هفت حرف علم شناخته خواهد شد. (۹) اکنون به شرح روایت علامه مجلسی می پردازم پیامبر ﷺ می فرمایند: در حجر اسماعیل بودم، جبرئیل ﷺ آمد، پای مرا فشار داد و تکان داد بیدار شدم، چیزی ندیدم، سپس دوباره آمد پای مرا فشار داد، بیدار شدم، پس بازوی مرا گرفت [خود این مساله اشاره دارد به اینکه معراج پیامبر ﷺ جسمانی بوده است] و من را داخل یک چیزی (محفظه ای) که مثل یک آشیانه پرنده بود، قرار داد

نوامیس در برابر اراده قاهره وی تسلیم هستند و هر آنی در قبضه‌ی قدرت او می‌باشند، بنابراین چه اشکالی دارد، خداوندی که به زمین جاذبه داده است و به اجرام آسمانی اشعه کیهانی بخشیده، بنده‌ی برگزیده خود را به وسیله قدرت نامتناهی خود، بدون اسباب ظاهری از مرکز جاذبه خارج نماید، و از خطرات اشعه، مصون و محفوظ نگاه دارد، خدایی که این همه اکسیژن آفریده است، در طبقاتی که هوا وجود ندارد، برای رسول برگزیده‌ی خود هوای لازم تهیه کند.

اساساً حساب معجزه از حساب علل طبیعی و توانایی بشر جدا است، ما نباید توانایی خدا را مانند توانایی خود محدود بدانیم. اگر ما بدون اسباب قادر به کاری نباشیم نباید بگوییم آفریدگار توانای علی الاطلاق نیز قدرت ندارد. زنده کردن مردگان، ازدها شدن عصا، زنده نگاهداری «یونس» در شکم ماهی در قعر دریاها!... که تمام آنها را کتاب‌های آسمانی تصدیق کرده و قرآن برای ما نقل نموده است، از نظر اشکال و جواب، دست کمی از معراج پیامبر ندارند. (۱۱)

سفر معراج هرگز یک سفر عادی نبود که با معیارهای عادی سنجیده شود، نه اصل سفر عادی بود و نه مرکبش، نه مشاهداتش عادی بود و نه گفتگوهایش، نه مقیاس‌هایی که در آن بکار رفته، همچون مقیاس‌های محدود و کوچک کره خاکی ماست و نه تشبیهاتی که در آن آمده بیانگر عظمت صحنه‌هایی است که پیامبر ﷺ مشاهده کرد، همه چیز به صورت خارق العاده و در مقیاس‌هایی خارج از مکان و زمانی که ما با آن آشنا هستیم و خو گرفته‌ایم رخ داد.

بنابراین جای تعجب نیست که این امور با مقیاس زمانی کره زمین ما، در یک شب یا کمتر از یک شب واقع شده باشد. (۱۲)

مرکب پیامبر ﷺ تا مسجد الاقصی براق بوده و از آنجا تا سدره المنتهی محمل بوده، که از نظر فن آوری فضایی بسیار پیشرفته‌تر از براق بوده است. علامه مجلسی در این خصوص روایتی را ذکر می‌کنند: «خداوند برای پیامبر ﷺ محملی از نور که در آن چهل نوع از نور وجود داشت، فرستاد» (۱۰) پس معلوم می‌شود فن آوری آنجا چیز دیگری را می‌طلبیده و در آسمان‌های چهارم و پنجم سطح فن آوری وسیع‌تر بوده است. هنگامی که وجود نازنین پیامبر ﷺ می‌خواستند از آسمان اول به آسمان دوم روند این نورها اضافه‌تر می‌شد و در ضمن حلقه‌ها و زنجیرهایی نیز به محمل افزوده می‌شد، که این حلقه و زنجیرها، سنبل قدرت و فن آوری کاملتری پدیدار کرده است، محمل، آن چنان سرعت و قدرت داشته که میلیاردها برابر سرعت نور حرکت داشته است. نور در هر ثانیه ۳۰۰،۰۰۰ کیلومتر مسافت طی می‌کند در صورتی که حرکت سفینه‌ی پیامبر ﷺ میلیاردها برابر سرعت نور بوده است و این ثابت می‌شود. داخل سفینه، شرایط زمین و زندگی برای فضانوردان فراهم است، به نحوی که آنان می‌توانند در آنجا آزاد باشند، پس در نتیجه پیامبر ﷺ داخل محمل از شرایط جوی نامساعد محفوظ بودند و شرایط زندگی به قدرت خداوند در آن محمل مهیا بوده و معجزه‌ی الهی همین است.

پیامبر اسلام با عنایت پروردگاری به معراج رفته که تمام هستی از آن اوست، و سازنده این نظام شگفت انگیز است و اوست که به زمین نیروی جاذبه داده و به خورشید اشعه‌ی کیهانی بخشیده و طبقات مختلفی در هوا به وجود آورده است و هر موقع بخواهد می‌تواند آنها را باز گیرد و مهار نماید. هرگاه برنامه سیر تاریخی رسول خدا ﷺ در پرتو عنایت الهی انجام گرفته باشد به طور مسلم تمام این

آخرین مرحله معراج :

در آخرین مرحله معراج پیامبر ﷺ که از سدره المنتهی به بعد انجام گرفت، مرکب رسول الله ﷺ تغییر پیدا کرد و «رُفرف» از آن به بعد پیامبر را حمل کرد [رُفرف به صورت پرنده ایست که بال های او گشاده و بسیط و باز است و بال های خود را حرکت می دهد و پرواز می کند].

از اخبار معراج مستفاد می شود، پیغمبر اکرم ﷺ فرمودند: چون مرا به آسمان ها بردند ملائکه با من بودند ولی به جایی رسیدیم که همه ی فرشتگان مانند حتی جبرئیل و ملائکه مقربین و چون از سدره المنتهی گذشتم به حجاب هایی برخوردیم و آنها هفتاد حجاب بود، بین هر حجابی تا حجاب دیگر حجاب های بسیاری در شوونات و صفات خداوندی دیدم و تمام حجب ملکوت را طی کردم و هیچ حجابی باقی نماند مگر حجاب جلال که طی این حجاب امکان پذیر نیست. در ساحت حجاب جلال ایستاده و به مناجات و راز و نیاز پرداختم و آنچه خواست و اراده فرمود در من ظهور یافت و آنچه من خواستم اراده او بود و هر چه

درباره علی علیه السلام خواستم به من عطا فرمود. اعلام فرمود که در روز قیامت لوای شفاعت را به دست تو می دهم که در حق شیعیان علی علیه السلام و دوستان او شفاعت نمایی. خطاب شد: ای احمد! گفتیم: لبیک ربی، فرمود: چه کسی را دوست داری؟ عرض کردم: هر که او را دوست داری و مرا فرمان به دوستی او کنی. خطاب شد: ای احمد من علی علیه السلام را دوست دارم و تو را به دوستی علی امر می کنم. ای احمد ما دوستان علی علیه السلام را دوست داریم و هر کس علی علیه السلام را دوست دارد او را دوست داریم، من سچیده شکر نمودم و سپاسگزاردم. (۱۳)



نتیجه گیری :

پس از مطالعه پیرامون حوادث معراج، به نتایجی دست پیدا می کنیم که از اهمیت زیادی برخوردارند :

- ۱- مهمترین راه رسیدن به سعادت و قرب الهی عبودیت و بندگی خداست و به این مسأله پی بردیم که وجود مقدس نبی مکرم اسلام ﷺ به مرحله عبودیت و بندگی خدا رسیدند که از جانب حق تعالی چنین افتخاری شامل حالشان شد.
- ۲- انسان می تواند در عبودیت و بندگی خدا به جایی برسد که حتی از مقام فرشتگان هم بالاتر رود و چقدر سعدی زیبا فرموده که :
**رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند
 بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت**



وجود نازنین رسول الله ﷺ به چنین درجه‌ای نایل آمدند که فاصله ایشان تا قرب خاص خداوند به اندازه دو نیمه کمائی بود و حتی نزدیکتر؛ (که این برای نزدیک شدن به ذهن بیان شده است، زیرا خداوند مکان خاصی ندارد، تا بنده خاص او به او نزدیک شود.) در آنجا که خداوند می‌فرماید: «فكان قـاب قوسین او اذنی».

پس انسان می‌تواند به جایی برسد که حتی جبرئیل اجازه‌ی ورود به آن را نداشت:

اگر یک سر موی برتر پرم فروغ تملی بسوزد پرم

۳- با نشان دادن آیات و رموز هستی با عظمت الهی به پیامبر ﷺ که هدف اصلی معراج است، انسان به ضعف و ناتوانی خود پی می‌برد و در نهایت از مرکب غرور پایین آمده و سر بر آستان بندگی حق تعالی فرود می‌آورد و ناخودآگاه جمله زیبای امام علی علیه السلام در دعای کمیل بر زبانش جاری می‌شود: «یا رب ارحم ضعف بدنی و»

۴- انسان می‌تواند با بندگی خدا و عبودیت آن به نعمت‌های عظیم الهی دست پیدا کند و بیش از پیش مشمول عنایات خاص حق تعالی قرار گیرد.

۵- در مشاهدات پیامبر ﷺ مهم‌ترین مسأله تأکید بر ولایت و امامت مولای متقیان حضرت علی علیه السلام بعد از وجود نازنین رسول الله ﷺ بود. هم او که نامش بعد از پیامبر ﷺ بر عرش الهی مکتوب شده و تمام ملائک برای زیارت و دیدن او، از هم سبقت می‌گیرند او کسی است که اگر کسی ولایتش را قبول نداشته باشد، هیچ عمل خوبی از او پذیرفته نخواهد شد.

نماز بی ولای او عبادتی است بی وضو به دشمن علی بگو نماز خود قضا کند.

۶- انسان با مطالعه مشاهدات پیامبر ﷺ در آسمان‌ها و پی بردن به خصوصیات بهشتیان و همچنین ویژگی‌های دوزخیان، به فکر فرو می‌رود و اثراتی در زندگی‌اش ایجاد می‌شود که نقش عمده‌ای در رسیدن به اهداف عالیه که همان صراط مستقیم است، در بردارد و تلاش می‌کند در دنیا فقط عبد خداوند باشد و در جهت رضای او گام بردارد.

۷- با مطالعه‌ی حوادث معراج به این نتیجه می‌رسیم که تمام کائنات، پدیده‌های موجود در طبیعت و در کهکشان‌ها، جاذبه‌ی زمین و ... در برابر اراده‌ی قاهر خداوند تسلیم و در قبضه‌ی قدرت خداوند هستند.

۸- از نتایج مهم دیگر، اینکه معراج وجود مقدس پیامبر ﷺ جسمانی بوده است و مؤید آن لفظ «بعده» در آیه اول سوره اسراء است. یعنی اینکه پیامبر اکرم ﷺ با بدن و روح با هم سیر کرده‌اند.

۱- همان منبع، ج ۱، ص ۳۷۵
 ۲- فروغ ابیدیت، ج ۱، ص ۳۱۷
 ۳- همان منبع، ج ۱، ص ۳۱۸-۳۱۷
 ۴- همان منبع، ج ۱، ص ۳۲۶
 ۵- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۱۷
 ۶- همان منبع، روایت ۷۳
 ۷- همان منبع، ج ۱۸، ص ۳۵۴
 ۸- فروغ ابیدیت، ج ۱، ص ۳۱۹
 ۹- تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۵۰۶-۵۰۷
 ۱۰- معراج حضرت رسول الله (ص)، عمادزاده، ص ۱۷۴